

نقش امام جواد (ع) در دگرگونی‌های فکری و فرهنگی عصر خود

اصغر منتظرالقائم^۱

نجمه کشانی

چکیده

عصر امامت امام جواد (ع) هم‌زمان با دو خلیفه عباسی (مأمون و معتصم) بود. در این دوره به علت ایجاد علاقه شخصی مأمون به علوم و با ایجاد «بیت‌الحکمه»، بحث و مناظرات علمی گسترش بیش‌تری یافت. از طرفی شاهد گسترش فرقه‌های مختلف از جمله: معتزله، زندیقان، غالیان و اهل حدیث هستیم و از طرفی، فرقه‌های فقهی جدید اهل سنت یعنی شافعی و حنبلی ظهور یافتند. در این اوضاع که انواع فرقه‌های گوناگون گسترش یافته بودند، راهبردهای مهندسی فرهنگی امام جواد (ع) و برخورد ایشان با این جریان‌های فکری، از موضوعات بسیار مهم دگرگونی‌های فرهنگی در این عصر است. در این مقاله، سعی شده که درباره دگرگونی‌های فکری و فرهنگی زمان امام جواد (ع) بحث و بررسی گردد و راهبردهای مدیریت فرهنگی ایشان تبیین شود. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع اصلی، این فرضیه را اثبات می‌کند که تداوم و تغییر پیوسته با تاریخ فرهنگی و فکری جهان اسلام در عصر امام جواد (ع) مشهود است و آن حضرت از کارگزاران تغییرات فرهنگی مؤثر در جامعه مسلمانان بودند.

واژگان کلیدی: امام جواد (ع)، جریان‌های فکری، راهبردهای فرهنگی، اهل حدیث.

ص: ۳۵۰

مقدمه

تغییر اجتماعی، به تغییری گویند که در طول زمان به صورت موقت و یا کم‌دوام نباشد و بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی جامعه‌ای اثر گذارد و جریان تاریخی آن را دگرگون کند. فرآیند اجتماعی، به معنای جریان مداوم یک سری از حوادث، پدیده‌ها و کنش‌هایی است که در مجموع به تغییر اجتماعی می‌انجامد.^۲ به تغییرات قابل رؤیت سیاسی،

^۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

^۲. گی‌روشه، تغییرات اجتماعی، ص ۲۶.

اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یک منطقه در طول زمان که جریان تاریخی آن عصر را متحول کند، دگرگونی گویند. دو عنصر مرتبط با هم یعنی تداوم و تغییر در دگرگونی دیده می‌شود. سیر آرام تحول و گذر زمان، نمایشی از تغییر است. چگونگی درجات شدت و ضعف تغییر جوامع در یک محدوده جغرافیایی در چشم‌انداز سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را دگرگونی گویند. دگرگونی‌های فرهنگی، تغییرات فرهنگی مشهود در ادوار تاریخی همراه با شناخت مؤلفه‌ها، شرایط و کارگزاران تغییر است که ما را در شناخت تاریخ فرهنگ و تفکر هر دوره یاری می‌رساند فرهنگ‌های دینی، زبان، ارزش‌ها، باورها، قوانین، سنن، علوم و صنایع را دربرمی‌گیرد. زبان گفتار، نقش مهمی در اکتساب و انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر دارد.^۳

عصر امام جواد (ع) از یک‌سو، تداوم عصر امام رضا (ع) بود و از سوی دیگر، تغییراتی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه در زمینه گسترش فرق و مذاهب اسلامی اتفاق افتاد. این تغییرات، امام را بر آن داشت تا از طریق راهبردهای مهندسی فرهنگی، نقش شیعیان را تداوم بخشند. به همین سبب، راهبردهای فرهنگی آن حضرت تأثیر چشم‌گیری در جامعه مسلمانان گذاشت و از پیوستن شیعیان به این جریان‌های فکری منحرف جلوگیری کرد.

ص: ۳۵۱

دوران امامت حضرت امام جواد (ع)

امام جواد (ع) در دهم رجب و به قولی در نوزدهم ماه رمضان سال ۱۹۵ هجری به دنیا آمدند. مادر آن حضرت سبیکه و اهل نوبه از مناطق افریقا و از خانواده ام‌المؤمنین ماریه قبطیه بود.^۴ القاب امام جواد (ع) عبارتند از: زکی، مرتضی، تقی، قانع، رضی، مختار، متوکل و جواد.^۵ علاوه بر بیانات و نصوصی که از سوی پیامبر (ص) و دیگر ائمه اطهار (علیهم السلام) در امر امامت حضرت جواد (ع) آمده، امام هشتم به مناسبت‌های گوناگون، به امامت ایشان تصریح کرده و آن حضرت را به عنوان جانشین خود به شیعیان معرفی فرموده‌اند. صفوان بن یحیی از یاران امام رضا (ع) می‌گوید:

^۳ . بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۵۶.

^۴ . این شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۳۷۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲. امام رضا (ع) او را خیزران نامید. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص

۲۶۴؛ طبرسی، امین الاسلام، ص ۳۴۵.

^۵ . عطاردی، مسندالامام الجواد (ع)، ص ۱۲.

از آن حضرت سؤال کردم: «اگر برای شما حادثه‌ای پیش آمد، به چه کسی باید پناه ببریم؟» با دست خود به اباجعفر (ع) اشاره فرمودند. عرض کردم: «جانم به فدایتان! این فرزند فقط سه سال دارد!» فرمودند: «چه مانعی دارد؟ عیسی بن مریم سه‌ساله بود که بار سنگین مسئولیت پیامبری را به دوش می‌کشید»^۶

کسانی که از حضرت رضا (ع) درباره امامت امام جواد (ع) روایت کرده‌اند بسیارند؛ از جمله: علی بن جعفر بن محمد الصادق (ع)، صفوان بن یحیی، معمر بن خلاد، حسین بن بشار، ابن ابی نصر بزنطی و ابن قیاما واسطی. ۷. با تولد امام جواد (ع) توطئه‌های دشمنان واقعی امام رضا (ع) خنثی شد، به ویژه واقفیه که به آن حضرت چنین ایراد می‌گرفتند: «که چگونه تو امام هستی با این‌که فرزند نداری؟» از این‌رو امام رضا (ع) از حضرت جواد (ع) به عنوان مولودی پربرکت برای شیعیان یاد می‌کردند.^۸

ص: ۳۵۲

اوضاع سیاسی عصر امام جواد (ع)

در دوران امامت هفده ساله امام جواد (ع)، مأمون به گفت‌گوی علمی با مذاهب، نحله‌ها و ادیان گوناگون توجه کرد، به همین سبب، مجالس مناظره تشکیل می‌داد تا روسای این گروه‌ها به بحث و استدلال بپردازند. او بیت‌الحکمه را در سال ۲۱۵ هجری در بغداد تأسیس کرد. وی به معتزله گرایش داشت و عقیده آنان را درباره خلق قرآن پذیرفته بود، ولی محدثان بغداد به ویژه احمد بن حنبل و پیروانش به شدت با این دیدگاه مخالف بودند و آن را بدعت می‌دانستند. خوی استبدادی مأمون، موجب شد تا دستور دهد احمد بن حنبل را به تازیانه بستند و به زندان انداختند. ۹. مأمون در سال ۲۱۸ قمری درگذشت و برادرش معتصم جانشین وی شد. ۱۰. وی به استخدام ترکان پرداخت و در سال ۲۲۰ قمری سامرا را تأسیس کرد و پایتخت را به آن‌جا منتقل نمود. ۱۱. در این زمان، نهضت کلامی معتزله چنان قدرتمند شده بود که محیط فرهنگی و فکری بغداد و برخی دیگر نقاط جهان اسلام را به اشغال خود درآورد. خردسالی امام جواد (ع)،

^۶. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۶۶.

^۷. همان، ص ۲۶۴؛ طبرسی، امین الاسلام، ص ۳۴۵.

^۸. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۶۸.

^۹. مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۵۲.

^{۱۰}. ابن خیاط، تاریخ، ص ۳۹۱.

^{۱۱}. یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۴۷۳.

دست‌آویزی شد تا آنان از مبانی عقیدتی شیعه خرده‌گیری کنند و به اصل امامت شیعه بتازند که آن حضرت در پاسخ آنان، با بیانی مستدل توطئه آنان را خنثی کردند.^{۱۲}

امام جواد (ع) در ابتدای امامت، با مشکلاتی روبه‌رو بودند که پذیرش امامت ایشان را با ابهام روبه‌رو کرد. گروهی از شیعیان، بر امامت موسی بن جعفر (ع) توقف کردند. این گروه را واقفیه می‌گویند.^{۱۳} این گروه هنوز در دوران امام جواد (ع) در میان شیعیان حضور داشتند. دسته‌ای دیگر از شیعیان به برادر امام رضا (ع) عبدالله بن موسی مراجعه کردند و چون او را در پاسخ به پرسش‌هایشان ناتوان

ص: ۳۵۳

دیدند، وی را رها کردند. گروهی دیگر به امامت احمد بن موسی معتقد شدند.

یکی از موضوعات مهم که در دوران زندگی امام جواد (ع) مطرح بوده، ازدواج ایشان با ام‌الفضل دختر مأمون است که این موضوع در تاریخ اسلام، به گونه‌های مختلف بررسی و اظهارنظر شده است. هنگامی که مأمون بعد از شهادت امام رضا (ع) از خراسان به بغداد رفت، شیعیان امامی، امام جواد (ع) را به امامت برگزیدند. از این‌رو، مأمون احساس خطر کرد؛ زیرا در مدینه رقیبی سرسخت و مدعی امامت موروثی اهل بیت (علیهم السلام) وجود داشت.^{۱۴} از سوی دیگر، مأمون به قتل امام رضا (ع) متهم بود و بایست با امام جواد (ع) به گونه‌ای رفتار می‌کرد که خود را از موضوع اتهام خارج کند. از این‌رو، با نوشتن نامه‌ای همراه با اکرام و احترام، آن حضرت را به بغداد دعوت کرد تا هم از نزدیک ایشان را زیر نظر داشته باشد و هم ارتباط شیعیان با ایشان را کنترل نماید و هم با خوش‌رفتاری با ایشان و تزویج دخترش با آن حضرت، مسأله اتهام مشارکت در قتل امام رضا (ع) را از خود دور کند. شیخ مفید ازدواج امام جواد (ع) با ام‌الفضل را از روی علاقه مأمون به آن حضرت و اعتقاد او به مراتب فضل ایشان دانسته است.^{۱۵} بسیاری از تاریخ‌نگاران بر این باورند که این ازدواج توطئه‌ای بوده که مأمون آن را برای رسیدن به مقاصد خود ترتیب داد. برخلاف گروه اول که علاقه مأمون به امام جواد (ع) را عامل این ازدواج مطرح کرده‌اند. با شناختی که در تاریخ از مأمون وجود دارد و با توجه به ویژگی‌های شخصی وی، اهداف دیگری نیز می‌توان برای اقدام او ترسیم کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

^{۱۲}. کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۴۵۶.

^{۱۳}. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۸۰.

^{۱۴}. عطاردی، مسندالامام الجواد (ع)، ص ۱۲۸ و ۱۳۲.

^{۱۵}. شیخ مفید، ارشاد، ص ۲۷۰.

- تظاهر به دوست داشتن خاندان پیامبر (ص)؛

- در امان ماندن از قیام و شورش علویان؛

- مأنوس شدن امام جواد (ع) با زندگی درباری؛

- تولد کودکی از نسل پیامبر (ص) برای خاندان مأمون؛^{۱۶}

ص: ۳۵۴

- نظارت بر امام جواد (ع) و بستن راه هرگونه خطر احتمالی از جانب امام؛

- محدود و مسدود کردن روابط آن حضرت با پیروانش و سایر مسلمانان؛

- جلوگیری از گسترش جلالت علمی و علو شان مقام معنوی امام جواد (ع).^{۱۷}

در هر صورت، مسلم است که مأمون به هیچ‌یک از اهداف یادشده نرسید و امام جواد (ع) چندی پس از ازدواج با ام‌الفضل به مدینه بازگشتند و شیعیان توانستند با ایشان ارتباط داشته باشند. آن حضرت در سال ۲۱۵ قمری وقتی مأمون عازم جنگ با رومی‌ها شد، از وی اجازه سفر حج خواستند و به حجاز بازگشتند تا خلافت عباسی از این ازدواج مشروعیتی کسب نکند. آن حضرت تا زمان خلافت معتصم در مدینه ساکن بودند و به زندگی خانوادگی، کشاورزی و رسیدگی به امور شیعیان و راهنمایی آنان مشغول بودند. هنگامی که معتصم به خلافت رسید، از جانب آن حضرت احساس نگرانی کرد؛ از این‌رو به والی مدینه دستور داد امام جواد (ع) و ام‌الفضل را به بغداد اعزام کند. با ورود امام جواد (ع) در سال ۲۲۰ هجری به بغداد،^{۱۸} معتصم به جوسازی و تحریک و شهادت دروغین علیه آن حضرت پرداخت. معتصم هم‌چون مأمون، بزرگان مذاهب گوناگون را به مناظره و مجادله با امام جواد (ع) دعوت می‌کرد تا شاید در این گفت‌گوها لغزشی از امام پیش آید، اما عظمت علمی آن حضرت، موجب اعتبار بیش‌تر ایشان گردید.^{۱۹} معتصم که نتوانست شخصیت آن حضرت را تخریب کند، تصمیم گرفت ایشان را به قتل برساند.^{۲۰} بدین‌منظور ام‌الفضل را مأمور

^{۱۶} پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تاریخ تشیع، ص ۱۲۵.

^{۱۷} منتظرالقائم، تاریخ امامت، ص ۲۳۹.

^{۱۸} فرق الشیعه، ص ۱۳۳.

^{۱۹} تاریخ امامت، ص ۲۳۸.

^{۲۰} .. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۲۰۵-۲۰۶.

این کار کرد و او امام جواد (ع) را مسموم نمود و آن حضرت را به شهادت رساند.^{۲۱} بعد از شهادت آن حضرت در ۲۹ ذی‌القعده سال ۲۲۰ قمری ۲۲ جنازه ایشان را در جانب

ص: ۳۵۵

غربی بغداد در گورستان قریش پشت قبر جدش موسی بن جعفر (ع) به خاک سپردند.^{۲۳}

جریان‌های فکری عصر امام جواد (ع)

جریان‌های فکری این دوره عبارتند از:

۱. جریان اهل حدیث

اهل حدیث به ظاهر روایت تمسک می‌جستند و مرکز آنان سرزمین حجاز بود. معاویه در جهت راهبردهای فرهنگی و تقویت پایه‌های قدرت خود، گروهی از راویان و قصه‌پردازان را به دمشق فراخواند. این گروه رسانه فکری بنی‌امیه بودند و سیاست فرهنگی بنی‌امیه و هواداری از آنان را طراحی کردند و برای امویان فضیلت‌تراشی نمودند. جریان تحریف و جعل روایت، به مرور گسترده‌تر شد، به طوری که روند فکری جامعه اسلامی بر اساس این روایات شکل گرفت. پیروان این جریان در آغاز عثمانی بودند و سپس نام سنی به خود گرفتند.^{۲۴} اینان برای خداوند جسمانیت قائل بودند؛ لذا «مجسمی مذهب» نامیده شدند. امام جواد (ع) به شیعیان می‌فرمود: «اجازه ندارید پشت سر کسی که برای خدا جسمانیت قائل است نماز گزارند و به او زکات بپردازند!»^{۲۵} عدم تحمل و رواداری اهل حدیث و معتزله عقل‌گرا و حمایت گسترده دستگاه خلافت عباسی از معتزله، موجبات درگیری بیش‌تر این دو گروه را فراهم کرد و بغداد صحنه درگیری‌های فکری و تکفیر و تفسیق میان این دو جبهه فرهنگی گردید.

اهل حدیث در آغاز سده سوم هجری، در جریان فقهی و حدیثی احمد بن حنبل ادغام شدند. ابو‌عبدالله احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ ق) مؤسس چهارمین مذهب سنت و جماعت در بغداد به دنیا آمد و در همان شهر درگذشت. هنگامی که مأمون به معتزله گرایش یافت و عقیده آنان را درباره خلق قرآن

^{۲۱}. مروج الذهب، ج ۴، ص ۵۲.

^{۲۲}. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۷۹.

^{۲۳}. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۸۴.

^{۲۴}. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۴۱۲.

^{۲۵}. شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۰۱.

پذیرفت، محدثان بغداد به ویژه احمد بن حنبل و پیروانش به شدت با این دیدگاه مخالف کردند و آن را بدعت دانستند. از همین روی، عباسیان بر آنان سخت گرفتند و حتی احمد را به تازیانه بستند و به زندان انداختند.^{۲۶} در بغداد کار به شورش کشید تا جایی که حنبله این ایام را «دوره محنه» نامیدند. احمد بن حنبل به سبب پایداری در محنه از جایگاهی درخور توجه در میان محدثان برخوردار گردید و پس از به قدرت رسیدن متوکل نیز هرچند قدرت و مکتبی در دستگاه خلافت چندان نیافت، اقبال عمومی به اندیشه‌های او بیش‌تر شد.^{۲۷} او فقهی کثیرالسفر بود و در طلب علم و حدیث به شام، حجاز، یمن، کوفه، بصره سفر کرد و احادیث زیادی گرد آورد و آن‌ها را در مجموعه‌ای فراهم آورد که مسند ابن حنبل خوانده می‌شود. این مسند در شش جزء و مشتمل بر چهل هزار حدیث است. او از تمسک به رأی تبری می‌جست و تنها به کتاب‌الله و حدیث استدلال می‌کرد. وی آن‌قدر در استناد به حدیث مبالغه نمود که گروهی از بزرگان اسلام مانند محمد بن جریر طبری و ابن‌ندیم او را از ائمه حدیث شمردند، نه از مجتهدان اسلام. او از شاگردان شافعی بود، سپس از مذهب او روی پرتافت و مذهب مستقلی ایجاد کرد و آن را بر پنج اصل نص کتاب‌الله، سنت، فتاوی صحیح پیامبر (ص) و قول بعضی از صحابه هرگاه موافق کتاب و سنت باشد و تمام احادیث مرسل و ضعیف بنیاد نهاد. رواج مذهب حنبلی از سه مذهب دیگر کم‌تر بود.^{۲۸} ولی پیروان وی در بغداد هم‌چون خوارج هیاهویی راه انداختند که زمینه‌های جریان تکفیری را در جهان اسلام فراهم آورد.

۲. جریان واقفیه

گروه اقلیتی از شیعیان، به انکار امامت علی بن موسی (ع) پرداختند. این گروه به دلیل دنیاطلبی و انگیزه مالی و سوءبرداشت از روایات و جعل آن‌ها و انحراف فکری و نبود ارتباط مستقیم و دوری شیعیان از امام، پس از شهادت

امام کاظم (ع) بر آن حضرت توقف کردند^{۲۹} و امامت علی بن موسی‌الرضا (ع) را نپذیرفتند و اعتقاد به مهدویت موسی بن جعفر (ع) را مطرح کردند و گفتند: وی نمرده و در غیبت است و قیام خواهد کرد. برخی دیگر می‌گفتند: اگرچه موسی

^{۲۶}. مروج الذهب، ج ۴، ص ۵۲.

^{۲۷}. حسین صابری، تاریخ فرق اسلامی، ص ۲۱۲.

^{۲۸}. فرق الشیعه، ص ۱۳۴.

^{۲۹}. همان، ص ۱۸۰.

بن جعفر مرده، بار دیگر بازگردد و قیام کند و گیتی ستم‌گرفته را پر از داد نماید. ۳۰ وقتی از امام جواد (ع) درباره خواندن نماز پشت سر امام جماعت واقعی‌مذهبان سؤال شد، آن حضرت در پاسخ، شیعیان خود را از این کار نهی کردند. ۳۱ هم‌چنین فرمودند: «زیدیه و واقفیه را در ردیف نصاب (ناصبی‌ها که بغض و دشمنی با حضرت علی (ع) دارند. ۳۲ از مصادیق آیه (وُجُوهٌ یَّوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ، عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ) ۳۳ هستند». ۳۴ در این زمان بیش‌تر ناصبی‌ها در دمشق حضور داشتند. ۳۵

۳. جریان زیدیه

زیدیان بعد از قیام زید بن علی به امامت او معتقد شدند. مهم‌ترین اعتقادات زیدیان را می‌توان چنین برشمرد: ۱

۱-۳- فرزندان امام علی (ع) از نسل امام حسن (ع) و امام حسین (ع) شایستگی امامت را به شرط قیام دارا هستند؛

۲-۳- نص بر امامت علی (ع) وجود ندارد و امامت به وصف است. امامت مفضول بر فاضل پذیرفتنی است؛

۳-۳- حضرت علی (ع) بر ابوبکر و عمر برتری داشت ولی امامت به کسی می‌رسد که مردم از او اطاعت کنند؛

۴-۳- نباید ابوبکر و عمر را سب و لعن کرد، (ولی عثمان و طلحه و زبیر را نقض می‌کردند)؛

ص: ۳۵۸

۵-۳- کسی شایسته امامت است که به دعوت خود خروج کند و بیعت با وی درست است؛

۶-۳- وجوب امر به معروف و نهی از منکر با شمشیر. ۳۶

۳۰. همان.

۳۱. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۴۹۰.

۳۲. ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۸۹.

۳۳. سوره الغاشیه، آیه ۳.

۳۴. عطاردی، مسندالامام الجواد (ع)، ص ۱۵۰.

۳۵. بلعمی، تاریخ‌نامه طبری، ج ۳، ص ۸۷.

۳۶. اشعری، المقالات والفرق، ص ۱۴۵.

عصر امام جواد (ع) هم‌زمان با قیام ادريس دوم در افريقيه بود (۱۸۸-۲۱۳ ق) او در سال ۱۹۷ قمری شهر نفيس و اغمات را مصادره کرد و در سال ۱۹۹ بربرهای خارجی قبایل "نفذه" در مغرب اوسط را مطيع خود ساخت و وارد تلمسان شد و سه سال در اين شهر به سر برد و چندین بار با خوارج صفريه در اين شهر جنگيد. ۳۷

هم‌چنين در اين زمان محمد بن قاسم بن علی زیدی رهبر فرقه جاروديه بود. پیروان او معتقد بودند، پیامبر (ص)، علی بن ابی طالب را به توصیف و بدون نام به امامت منصوب کرده است. ۳۸. چهل هزار نفر در مرو با وی بيعت کردند. او سپس به طالقان رفت و در سال ۲۱۹ قمری در آن‌جا قیام کرد و بسیاری از ساکنان ایالت خراسان گرد او جمع شدند؛ اما حرکت او فاقد سازمان‌دهی بود و خطر جدی برای حکومت معتصم به حساب نمی‌آمد. سرانجام عبدالله بن طاهر، امیر خراسان، او را دستگیر کرد و به سامرا گسیل داشت و در آن‌جا زندانی شد اما به کمک پیروانش فرار کرد. مدتی در واسط مخفی بود و در آن‌جا مرد. ۳۹

زیدیه پیروان ائمه را با عنوان رافضه یاد می‌کردند و امامان را به سازش و هم‌کاری با خلفا متهم می‌ساختند. این تنازعات در قرن سوم به ویژه از زمان امام جواد (ع) به بعد میان امامیه و زیدیه به اوج خود رسید، چنان‌که امام جواد (ع) در روایتی، زیدیه را مصداق آیه (وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ) خواندند و در ردیف ناصبی‌ها قرار دادند. ۴۰

ص: ۳۵۹

۴. جریان غلات

غلات یکی از گروه‌های خطرناک و منحرف در میان شیعیان بودند که در بدنام کردن شیعه سهم زیادی داشتند. اینان به شدت مورد تنفر امامان بودند. خطر این گروه برای شیعیان بسیار جدی بود؛ زیرا آن‌ها روایاتی را به نام امامان جعل می‌کردند و به این وسیله شیعیان را که پیرو ائمه بودند، به انحراف می‌کشاندند. امام جواد (ع) درباره ابوالخطاب که از سران غلات بود فرمودند:

لعنت خدا بر ابوالخطاب و اصحاب او و کسی که درباره لعن بر او توقف یا تردید کند. ۴۱

^{۳۷}. تاریخ تشیع، ص ۱۵۹.

^{۳۸}. شهرستانی، ملل و النحل، ص ۱۱۸.

^{۳۹}. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۶۹.

^{۴۰}. مسندالامام الجواد (ع)، ص ۱۵۰.

سپس فرمودند:

ابوالغمر، جعفر بن واقد و هاشم بن ابی هاشم، ما را وسیله گرفتن و غصب اموال مردم قرار می‌دهند. کارشان به جایی رسیده که مردم را به آنچه ابوالخطاب آنان را به آن می‌خواند دعوت می‌نمایند خدا او، همراهانش او را و آنانی را که سخنانشان را می‌پذیرند لعنت کند.^{۴۲}

حتی در روایتی به اسحاق انباری فرمودند:

دو تن از غلات به نام‌های ابوالسمهری و ابن ابی الزرقا^{۴۳} (که خود را مبلغین امامان قلمداد می‌کردند)، باید کشته شوند. علت این دستور، این بود که آن دو در میان مردم فتنه‌انگیزی می‌کردند و خواستار مرگ امام و دوست‌داران ایشان بودند. اسحاق درصدد اجرای دستور امام بود ولی آن دو همواره از او دوری می‌جستند.^{۴۴} غالیان و واقفه در عصر امام رضا (ع) با هم ممزوج شدند و مشکلات بسیاری برای شیعیان و ائمه (علیهم السلام) فراهم کردند. امام جواد (ع) از طریق پاسخ‌گویی به شبهات، نشان دادن کرامات، افشاگری درباره آنان، لعن و نفرین و تحریم اجتماعی واقفیان، با آنان مبارزه می‌کردند.

ص: ۳۶۰

۵. جریان فقهی شافعی

امام شافعی (۱۵۰-۲۰۴ ق) با نام محمد بن ادريس، فقهی عرب و قریشی‌الاصل بود و در غزه تولد یافت و در مصر درگذشت. او در درس مالک ابن انس حاضر می‌شد و در عراق علم فقه را از محمد شیبانی شاگرد ابوحنیفه فراگرفت و به یمن و مصر سفر کرد. شیوه فقهی او بین دو مکتب رأی و حدیث بود و آن دو طریق را با یک‌دیگر آمیخت و از این جهت مذهب او را مذهبی بین مالکی و حنفی می‌دانند. شافعی مبانی اربعه فقه (کتاب، سنت، اجماع و قیاس) را قبول داشت. کتاب وی به نام رساله امام شافعی معروف است و نخستین کتابی به شمار می‌آید که در اصول علم فقه نوشته شد. فقه شیعه در عبادات، بسیار نزدیک به این مذهب است شافعی به علی بن ابی‌طالب (ع) بیش از ائمه سنت و جماعت

^{۴۱}. کشی، رجال، ج ۲، ص ۸۱۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۳۱۹؛ بحرانی اصفهانی، عوالم‌العلوم والمعارف والاحوال من‌الایات والاکبار والاقوال، ج

۲۳، ص ۵۸۹؛ مسندالامام الجواد (ع)، ص ۱۴۴.

^{۴۲}. مسندالامام الجواد (ع)، ص ۲۹۸.

^{۴۳}. صفری فروشانی، غالیان کاوشی در جریان‌ها و برآیندها تا پایان سده سوم، ص ۱۲۶.

^{۴۴}. مسندالامام الجواد (ع)، ص ۱۴۴؛ رجال، ج ۲، ص ۸۱۱.

ارادت داشت و به آن حضرت عشق می‌ورزید.^{۴۵} پس از مرگ شافعی، پیروان وی در مکه و نقاط دیگر به تبلیغ مذهب وی پرداختند.

۶. جریان اسماعیلیه

بعد از شهادت امام صادق (ع)، گروهی از شیعیان مدعی شدند که اسماعیل بن جعفر نمرده است و نخواهد مرد و او همان مهدی قائم پس از پدرش است. اینان را اسماعیلیان خالصه می‌خواندند. گروهی دیگر از شیعیان عقیده داشتند که پس از امام صادق (ع) نواده او محمد بن اسماعیل امام است. پیروان این عقیده به نام پیشوایشان مبارک غلام وی، «مبارکیه» خوانده می‌شدند. امامان اسماعیلی تا یک قرن و نیم پس از وفات اسماعیل پنهان بودند و از فعالیت‌ها و تعلیمات داعیان ایشان اطلاعات کمی در دست بود. بعد از مرگ محمد، پسرش عبدالله معروف به احمدالوفی که مخفی و در پرده بود، از عسکر مکرم بیرون رفت و به دیلم آمد و با دختری از خاندان علوی ازدواج کرد که حاصل آن پسری به نام احمد ملقب به محمدتقی بود. عبدالله از دیلم به نزدیک حلب آمد و در آنجا اقامت کرد و سپس از آنجا به شهر سلمیه نزدیک حمص رهسپار شد

ص: ۳۶۱

و در حضور داعیان، پسرش احمد بن عبدالله را جانشین خود اعلام کرد و سپس به شهر مصیاف در سوریه رفت و در آنجا درگذشت. جنازه وی را در بالای کوهی به خاک سپردند که از آن پس مشهود خوانده شد (۲۱۲ ق) پس از وی احمد به امامت رسید و در سال ۲۲۹ در قسطنطنیه درگذشت. ۴۶ دعوت اسماعیلیان در عصر امام جواد (ع) در بستر گسترش جغرافیایی قرار گرفت و پیروانی پیدا کرد.

۷. جریان زندیقان

در عصر خلافت منصور، عبدالله بن مقفع برخی از آثار مانویان را به عربی ترجمه کرد. به سبب نفوذ این افکار مادی و انحرافی، زندیقان فراوان شدند و اعتقاداتشان در میان مردم گسترش یافت. مهدی عباسی دستور داد تا کتبی در رد بر ملحدان و منکران دین نگاشته شود و به مبارزه با زندیقان همت گماشت. ۴۷ خرمینان در گرگان در سال ۱۶۲ و

^{۴۵} . نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۳۳.

^{۴۶} . همان، ص ۲۳۶-۲۳۷.

^{۴۷} . مروج الذهب، ج ۴ ص ۳۱۵.

هم‌چنین در سال ۱۸۱ قمری شورش کردند. ۴۸ هم‌چنین در آذربایجان، اصفهان، ری، همدان و دیلم سر به شورش برداشتند و در آذربایجان، رهبری جاویدان بن شهرک را پذیرفتند. وی آیین خرم‌دینان را احیا کرد. بعد از مرگ او، بابک رهبر خرم‌دینان گردید. بابک نتوانست همه بخش‌های آذربایجان را به هم پیوندند. دعوت او با موفقیت بسیاری در منطقه جبال، همدان، اصفهان، ماسبدان و مهرجان روبه‌رو شد. این دعوت در طبرستان، گرگان، ارمنستان، خراسان و دیگر سرزمین‌های غیرعرب گسترش یافت. بابک در نتیجه پیروزی‌های پی‌درپی، به نیروی خطرناکی تبدیل شد. مأمون نیروهای نظامی گسترده‌ای را به جنگ وی می‌فرستاد اما مدام شکست می‌خوردند تا این‌که در سال ۲۱۸ قمری مأمون مرد. معتصم در سال ۲۲۰ قمری بزرگ‌ترین فرمانده‌اش به نام افشین حیدر بن کاووس را که امیر منطقه جبال بود، برای جنگ با بابک فرستاد. افشین توانست او را شکست دهد و بابک را به همراه

ص: ۳۶۲

برادرش عبدالله به سامرا آوردند و کشتند و جسد او را در سامرا به دار آویختند. ۴۹

۸. جریان معتزله

ظهور اولیه معتزله را به داستان متواتری مربوط به حسن بصری مربوط دانسته‌اند که هنگام پاسخ به شاگردش واصل بن عطا درباره جایگاه مرتکب گناه کبیره گفت: «جایگاه چنین شخصی در المنزل بین المنزلین قرار دارد». از همین‌جا، واصل از استادش کناره‌گیری کرد و حسن درباره وی گفت: «او از ما کناره گرفت». بیش‌تر معتزله آرای واصل را پذیرفتند و او به عنوان مؤسس اصلی معتزله شناخته شد. ۵۰ معتزله عبارتند از:

۱. توحید به معنای خدای یگانه است. او شریکی ندارد و شنوا و بیناست؛

۲. اصل عدل به معنای عادل است. معتزله اصرار بر اختیار و تکلیف انسان داشتند و بر اساس این اصل، سرنوشت نهایی بشر را به دست خود وی می‌دانستند؛

۳. اصل وعد و وعید به معنای این است که خداوند در سرای دیگر، نیکوکاران را پاداش بهشت و بدکاران را کیفر دوزخ می‌دهد؛

^{۴۸}. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۳۷۳ و ۴۷۱.

^{۴۹}. محمد سهیل طقوش، دولت عباسیان، ص ۱۳۶ و ۱۴۶.

^{۵۰}. عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۷۳.

۴. المنزله بین المنزلین یعنی مرتکب کبیره فاسق است و در جایگاهی میان کفر و ایمان قرار دارد؛^{۵۱}

۵. امر به معروف و نهی از منکر یعنی منکر را در دل ناخوشایند دانستن و به زبان به معروف دعوت کردن و از منکر بازداشتن.

مکتب اعتزال در بصره به وجود آمد و رشد کرد اما در اواخر سده دوم هجری، بشر بن معتمر (م ۲۱۰ ق) که یکی از دانش‌آموختگان مدرسه بصره بود، به بغداد سفر کرد و مدرسه معتزله بغداد را تأسیس نمود و به ترویج اصول مکتب اعتزال در بغداد همت گماشت. ۵۲. فرقه کلامی معتزله، پس از به قدرت رسیدن عباسیان

ص: ۳۶۳

در صحنه فرهنگی بغداد ظاهر شد و در اوایل سده سوم هجری به اوج خود رسید. بدین‌سان معتزله به یکی از جریان‌های فکری و کلامی تأثیرگذار عصر امام جواد (ع) تبدیل شد. موضع‌گیری امام جواد (ع) در مقابل این جریان کلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که مناظرات حضرت جواد (ع) با یحیی بن اکثم را که از بزرگ‌ترین فقهای این دوره به شمار می‌رفت می‌توان رویارویی تفکر ناب شیعه با منادیان معتزله دانست که همواره پیروزی با امام جواد (ع) بود.

۹. جریان خوارج

خوارج بیست فرقه بودند و هر فرقه به گروه‌هایی تقسیم می‌شدند. همه آن‌ها مشترکاً اعتقاد داشتند که امام علی (ع)، عثمان، اصحاب جمل، حکمین و راضی شوندگان به داوری میان آن حضرت و معاویه و کسانی که تصویب رأی حکمین یا یکی از آن دو را پذیرفته‌اند، کافر هستند و قیام بر حاکم ستمگر واجب است. ۵۳. دو گروه از خوارج در زمان امام جواد (ع) در افریقا حکم‌رانی می‌کردند که عبارت بودند از: بنی‌مدرار در سجلماسه که مذهب صفریه داشتند. فرقه صفریه گناهکاران را مشرک می‌دانستند، اما کشتن اطفال و زنان و مخالفان خود را جایز نمی‌دانستند. ۵۴. بنی‌مدرار در زمان منصور در سال ۱۴۰ قمری تشکیل شدند و بیش از ۱۴۰ سال حکومت کردند که از برجسته‌ترین حکومت‌های مستقل خوارج بودند. حکومت دوم اباضی مذهب بودند. این فرقه بر امامت عبدالله بن اباض، و معتقد بودند: کافران امت اسلام

^{۵۱}. حسینی علوی، بیان الادیان در شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی، ص ۳۲.

^{۵۲}. رضا برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۱۱۲.

^{۵۳}. الفرق بین الفرق، ص ۴۱.

^{۵۴}. همان، ص ۵۳.

یعنی مخالفان ایشان، بری از شرک و ایمانند نه مؤمنند و نه مشرک، اما کافرند و شهادتشان جایز است و ریختن خون ایشان را در نهان ناروا شمردند و آشکارا به کشتن دست یازیدند و زناشویی با زنان کافران و ارث بردن از آنان را درست می‌دانستند. ۵۵ این حکومت در سال ۱۴۴ قمری در مغرب میانه حکومت ایجاد کرد. بنیان‌گذار آن عبدالرحمان بن رستم و پایتخت

ص: ۳۶۴

آن تاهرت بود. اینان متعصب‌ترین گروه خوارج بودند که بیش از ۱۳۰ سال حکومت کردند. ۵۶ خوارج در زمان امام جواد (ع) در سیستان به رهبری "حمزه آذرک" (۱۷۹-۲۱۳ ق) شورش کردند که طلحه بن طاهر دوران امارتش بیش‌تر در جنگ با خوارج سپری گردید و مرگ او نیز با مرگ حمزه هم‌زمان شد اما خوارج از میان نرفتند. پیدایش عیاران و صفاریان موجب زوال تدریجی خوارج گردید. ۵۷ فرقه اباضیه در سال ۱۳۵ هجری، تحت امامت جلندی بن مسعود به عمان رفتند و در سال ۱۷۷ قمری آن‌جا حکومت تشکیل دادند. این حکومت صد سال ادامه داشت تا زمان معتضد که حکومت اباضیه برچیده شد. ۵۸

راهبردهای مدیریت فرهنگی امام جواد (ع)

مدیریت راهبردی فرهنگی، به معنای سازمان‌دهی، هدایت، کنترل امور و هدایت فعالیت‌های فرهنگی در چارچوب اهداف موردنظر است. از آن‌جا که در تاریخ امامان شیعه برای نخستین بار شخصی در خردسالی به مقام امامت می‌رسید، طبیعی بود این امر بی‌سابقه‌ای مورد اختلاف بین امامت و دستگاه خلافت، واکنش‌هایی را در برداشته باشد. امام جواد (ع) با درک عمیق اوضاع سیاسی- فرهنگی، فعالیت خویش را در درجه اول بر توسعه فرهنگ دینی با تأکید بر قرآن و عترت، تقویت باورهای عقیدتی شیعیان و یاران خود و اصلاح سبک‌رفتار دینی شیعیان قرار دادند. فعالیت‌های ایشان عبارت بودند از:

۱. تبیین موقعیت رهبر دینی و امامت الهی خود

۵۵. همان، ص ۶۳.

۵۶. دولت عباسیان، ص ۶۵-۶۶.

۵۷. مفتخری، تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان، ص ۱۵۴ و ۱۶۷.

۵۸. آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۳۱.

یکی از راهبردهای مهم اصلاح فرهنگی، تعیین رهبر فکری و فرهنگی اصیل جامعه اسلامی است. از جمله مسائل مربوط به امامت در جامعه آن روز، مطرح شدن امامت پیش از سن بلوغ بود. مصداق نخستین این موضوع اعتقادی وجود مبارک امام جواد (ع) بود. این موضوع نگرانی‌هایی را در میان پیروان اهل بیت به

ص: ۳۶۵

وجود آورد و آنان را دچار اضطراب کرد. برخی از شیعیان برای یافتن حقیقت، راهی مدینه شدند تا از نزدیک با امام خویش آشنا شوند و از نگرانی بیرون آیند. آنان با طرح سؤالات متعدد و پاسخ صحیح از امام جواد (ع) به امامت آن حضرت یقین پیدا کردند. ۵۹ امام جواد (ع) حتی در رویارویی با مردم و مخالفان، آشکارا خود را پیشوای امت، حجت خدا در زمین، گنجینه علم و حکمت خداوندی، وصی انبیای الهی از بندگان گرامی خداوند معرفی می‌کردند. ۶۰

۲. به چالش کشیدن مشروعیت خلافت

امام جواد (ع) پس از شهادت پدر بزرگوارش با دعوت اجباری مأمون به بغداد رفتند و در کنار خلیفه سکنی گزیدند، ولی هرگز از ابراز حقایق ابایی نداشتند و به اثبات امامت خویش و آشکار کردن دانش خدادادی خود ابراز کرامت، اتخاذ موضع منفی در برابر دستگاه خلافت و ناخشنودی از حضور دربار خلیفه پرداختند تا سیاست خویش را برای شیعیان ابراز کنند. این سیاست، گاه در سخنان حکیمانه و گاه در رفتار امام تجلی می‌کرد؛ گاه نیز موضع امام در تبیین صحیح فقه اسلامی و مخدوش اعلام کردن دیدگاه‌های پرشش کنندگانی مانند یحیی بن اکثم بود.

۳. گسترش علوم و دانش اهل بیت (علیهم السلام)

امام جواد (ع) برای برخورداری جامعه از دانش خویش، پس از شهادت پدر بزرگوارشان در مسجدالنبی بر فراز منبر رفتند و فرمودند:

من محمد بن علی الرضا و جواد هستم؛ من دانای به انساب مردم در صلب پدرانشان هستم؛ من به نهان و آشکار و نیز آینده امور شما آگاهم؛ علمی که خداوند پیش از آفرینش آفریده‌هایش به ما عطا کرده است و تا پس از فنای آسمان‌ها و زمین‌ها از آن بهره‌مندیم و چنانچه هم‌دستی اهل باطل و حاکمیت گمراهان و فتنه شکاکان نبود، سخن می‌گفتم که پیشینیان و آیندگان از آن به شگفت آیند.

^{۵۹}. اشتهازی، سیره چهارده معصوم (علیهم السلام)، ص ۷۷۴.

^{۶۰}. مسندالامام الجواد (ع)، ص ۱۲۸.

پس دست بر دهان نهاد و فرمود:

ای محمد! سکوت کن آن گونه که پدرانیت پیش از تو سکوت کردند! ۶۱

۴. رهبری شیعیان

امام جواد (ع) و یاران و روایان ایشان، یک حرکت فرهنگی - علمی گسترده و تأثیرگذار در جهان اسلام ایجاد کردند. آن حضرت به عنوان رهبر فکری مسلمانان و شیعیان، به زدودن شبهات آنان از طریق مناظره و بیان میراث حدیثی می پرداختند. مجموعه روایاتی که در مسند آن حضرت آمده، حدود ۲۵۰ روایت است. این روایات به چند دسته تقسیم می شود که شامل اصول دین، توحید، نبوت، امامت، فروع دین و احکام، روایاتی شامل طهارت، نماز، زکات، حج، جهاد، ازدواج و طلاق، قضا و شهادت، نذر، دیات، وصیت و ارث و مباحث اخلاقی و در زمینه تفسیر قرآن، دعا، مناجات، زیارات از جمله زیارت پیامبر (ص) و امام حسین (ع)، امام رضا (ع) و مؤمنان است.

امام جواد (ع) چه در دورانی که به اجبار در کنار مأمون در بغداد بودند و چه پس از بازگشت به مدینه، در حفظ انسجام و رهبری شیعیانی کوشیدند که در سرزمین های اسلامی پراکنده بودند. آن حضرت از طریق وکلایی هم چون علی بن مهزیار، خیران خادم، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن محمد بن عیسی و صالح بن محمد سهل، پاسخگوی مسائل دینی شیعیان بودند. ایشان برای گسترش فرهنگ ناب تشیع، کارگزاران و وکلایی به مناطق گوناگون در قلمرو بزرگ عباسیان تعیین و یا اعزام نمودند؛ از جمله در اهواز، همدان، ری، سیستان، بغداد، واسط، بصره و نیز مناطق شیعه نشینی چون کوفه و قم. امام جواد (ع) به این طریق با شیعیان خود همیشه در ارتباط بودند و آن ها را رهبری می کردند.

۵. مبارزه با جریان های انحرافی

در همه دوران ها، مخالفان فکری برای پراکنده کردن شیعیان و ایجاد تفرقه، دست به توطئه فرقه سازی زده اند. امام جواد (ع) نیز با فرقه های منحرف از

خط امامت روبه‌رو بودند و شیعیان را در گرفتن موضع مناسب در رویارویی با آنان هدایت می‌کردند. شاخص‌ترین این گروه‌ها عبارت بودند از: اهل حدیث، واقفیه، زیدیه و غلات. آن حضرت در مورد اهل حدیث فرمودند:

اجازه ندارید پشت سرکسی که برای خدا جسمانیت قائل می‌شود نماز گزارید و به او زکات بپردازید.^{۶۲}

هم‌چنین در روایتی از امام جواد (ع)، واقفیه و زیدیه مصداق آیه (وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ) خوانده شده و در ردیف ناصبی‌ها قرار گرفته‌اند.^{۶۳} امام جواد (ع) نیز درباره ابوالخطاب که از سران غلات بود فرمودند:

لعنت خدا بر ابوالخطاب و اصحاب او و کسانی که درباره لعن بر او توقف کرده یا تردید کند!^{۶۴}

حتی به اسحاق انباری فرمودند:

دو تن از غلات به نام‌های ابوالسمه‌ری و ابن ابی‌الزرقا که (خود را مبلغین امامان قلمداد می‌کردند) باید کشته شوند.^{۶۵}

۶. مناظره‌های علمی و اعتقادی

امام جواد (ع) از دو جهت به مناظرات علمی کشانده می‌شد:

۱. از طرف شیعیان خود که با توجه به سن کم آن حضرت، می‌خواستند علم الهی امام را دریابند. بنابراین طبیعی بود که مجالس متعددی بدین منظور ترتیب داده می‌شد. به ویژه از طرف مأمون و معتصم دو خلیفه معاصر آن حضرت. از آن‌جا که شیعیان، مدعی علم الهی برای امامان خود بودند، خلفا می‌کوشیدند تا با تشکیل مجالس مناظره، امامان را رودرروی برخی از کارگزاران فرهنگی خلافت عباسی قرار دهند تا شاید در پاسخ برخی از پرسش‌ها درمانده

ص: ۳۶۸

شوند و شیعیان از پیروی آن‌ها خودداری کنند. علاوه بر این‌ها، علاقه شخصی مأمون در برپایی مناظرات بی‌تأثیر نبود؛ زیرا وی به علم‌دوستی شهرت داشت.

^{۶۲}. شیخ صدوق، التوحید، ص ۱۰۱.

^{۶۳}. مسندالامام الجواد (ع)، ص ۱۵۰.

^{۶۴}. کشی، رجال، ج ۲، ص ۸۱۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۳۱۹؛ بحرانی اصفهانی، ج ۲۳، ص ۵۸۹؛ مسندالامام الجواد (ع)، ص ۱۴۴.

^{۶۵}. عطاردی، مسندالامام الجواد (ع)، ص ۱۴۴-۱۴۵؛ کشی، رجال، ج ۲، ص ۸۱۱.

۲. در کتب و منابع تاریخی به ویژه مسند امام جواد (ع)، هشت روایت از مناظرات و احتجاجات آن حضرت آمده که آن حضرت در پاسخ به سؤالات از چند روش استفاده می‌کردند:

۱. استناد به آیات قرآن؛

۲. استناد به احادیث پیامبر (ص)؛

۳. پاسخ‌گویی با برهان‌های عقلی و تأکید بر امامت خود و این‌که امام داناتر از همه مردم است؛

۴. مطرح کردن شقوق گوناگون پرسش‌هایی از دل پرسش اصلی.

مهم‌ترین موضوعاتی که در این مناظرات مطرح شده عبارتند از: موضوعات بایدها و نبایدهای دینی و احکام، موضوعات کلامی مثل امامت، اسماء و صفات خداوند و فضایل خلفا. این مناظرات هم از جانب شیعیان و هم از جانب کارگزاران فرهنگی وابسته به دربار عباسی انجام می‌گرفته است.

مهم‌ترین این مناظرات، مناظره با یحیی بن اکثم است. مأمون از یحیی خواست تا سؤال پیچیده‌ای از امام کند. لذا از امام پرسید: «مُحرَمی که حیوانی را کشته وظیفه‌اش چیست؟» امام در جواب از وی پرسیدند:

آیا فرد محرم صید را در حرم کشته یا در بیرون آن؟ جاهل به حکم بوده یا عالم به حکم؟ عمداً آن را کشته یا به خطا؟ آزاده بوده یا برده؟ بالغ بوده یا نابالغ؟ هنگام رفتن به مکه آن را کشته یا موقع بازگشت؟ صید از پرندگان بوده یا غیر از آن؟ صید کوچک بوده یا بزرگ؟ اصرار بر عمل خود دارد یا از کرده خود پشیمان است؟ در شب صید را کشته یا در روز؟ در حال عمره بوده یا حج؟

بدین‌گونه یحیی شگفت‌زده شد. ۶۶ هم‌چنین در مناظره دیگر با یحیی در

ص: ۳۶۹

مورد فضایل خلفا، آن حضرت احادیث ساختگی در فضایل خلفا را رد کردند. مناظره مهم دیگر امام با ابن ابی داوود در زمان معتصم در مورد قطع دست دزد بود که امام فرمودند:

محل سجده از آن خداست و چیزی که از آن خدا باشد قطع نمی‌شود. ۶۷

^{۶۶} حرانی، تحف العقول عن آل رسول، ص ۴۷۳ - ۴۷۷؛ شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۶۹ - ۲۷۳.

البته این مناظره، به شهادت امام جواد (ع) منجر شد.

جدول تعداد و تحلیل محتوای مناظرات

...

ص: ۳۷۰

...

ص: ۳۷۱

...

۷. تقویت باورهای شیعیان و تربیت شاگردان

از آنجا که بهره‌گیری از امام جواد (ع) به طور مستقیم در برخی موارد مشکل بود، امام به تربیت شاگردانی پرداختند که آن‌ها مشکلات مردم را حل می‌کردند و به سؤالات آن‌ها پاسخ می‌دادند. در منابع نام شانزده نفر از یاران و ۱۲۵ نفر از روایان امام جواد (ع) ۶۸ آمده و شیخ طوسی نام ۱۱۶ نفر از آن‌ها را آورده که ۳۷ نفر از آنان ایرانی بودند. ۶۹ معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

^{۶۷}. علامه طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۵۴۹.

^{۶۸}. مسندالامام الجواد (ع)، ص ۱۳۵ و ۲۵۰.

- احمد بن محمد بن زنی که از اصحاب اجماع است و همگان به حقانیت او اعتراف کرده‌اند؛
- زکریا ابن آدم قمی که حضرت جواد (ع) او را دعا کردند و او را در زمره یاران حق شناس و باوفای خویش به شمار آوردند؛
- علی بن مهزیار اهوازی که از وکلای خاص امام بود و آن حضرت برای او دعا کردند و او را شخصیتی بی نظیر دانستند. حدود ۳۵ کتاب در ابواب فقه و تفسیر، و عقاید از وی نام برده شده است؛ ۷۰
- یعقوب بن اسحاق سکیت که ۳۲ کتاب نگاشت او به وسیله متوکل به شهادت رسید؛ ۷۱
- عبدالعظیم بن عبدالله حسنی که از محدثان بزرگ وفق‌ها بود و مقامی ارجمند در میان اهل بیت و شیعیان داشت و به حضور امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و امام هادی (ع) رسیده بود. او در زمان امام هادی (ع) در شهر ری درگذشت. عبدالعظیم از امام جواد (ع) روایات زیادی نقل کرده و از این روایات معلوم می‌شود که پیوسته با آن حضرت در ارتباط بوده است. روایات عبدالعظیم در موضوعات گوناگون در باب امامت، تفسیر قرآن، دعاها و احکام است. ۷۲ حجم روایات و منابع مکتوب و میراث علمی یاران آن حضرت، از حرکت فرهنگی و علمی قدرتمند و تأثیرگذار امام جواد (ع) و راویان و یارانشان در جامعه اسلامی حکایت دارد.

نتیجه

در عصر امامت امام جواد (ع) دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای در جامعه اسلامی اتفاق افتاد. دگرگونی‌های فکری و فرهنگی پیشین شامل جریان غالیان، معتزله، خوارج، واقفیه، زیدیه، در جامعه مسلمانان

می‌شد و حیات فرهنگی در حال تداوم و تغییر بود. از طرفی شاهد جریان نوظهور اهل حدیث حنبلی هستیم. در این عصر با وجود محدودیت‌هایی که مأمون و معتصم برای امام جواد (ع) ایجاد کرده بودند، آن حضرت با راهبردهای

^{۶۹}. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۳۹۷.

^{۷۰}. نجاشی، رجال، ص ۲۵۳.

^{۷۱}. همان، ص ۴۴۹.

^{۷۲}. مسندالامام الجواد (ع)، ص ۲۹۸ - ۲۹۹.

مهندسی فرهنگی، یک جریان تأثیرگذار فکری و فرهنگی را شکل دادند. از جمله این راهبردها بیان مقام شایسته قرآن و عترت و روایات گوناگون در تقویت بنیان فکری شیعیان و مناظره با مخالفان و مشهورترین عناصر فرهنگی دستگاه خلافت عباسی، از جمله یحیی بن اکثم بود. آن حضرت به تربیت شاگردان و یارانی پرداختند که برخی میراث فقهی، تفسیری و حدیثی را منتقل ساختند و به یک جریان تأثیرگذار تبدیل شدند. آن حضرت به علت محدودیت‌هایی که برای ایشان وجود داشت، وکلایی را نصب کردند که رابط میان امام و شیعیان بودند و مشکلات آنان را حل می‌کردند و به سؤالات و شبهات آنان پاسخ می‌دادند و موجبات تداوم فکری و فرهنگی شیعیان را فراهم می‌کردند. بدین‌سان امام جواد (ع) نقش چشم‌گیری در تغییرات فکری و فرهنگی جامعه در عصر خود داشتند. طی دوره هیجده ساله امامت امام جواد (ع) برخلاف آشفتگی‌های فکری جهان اسلام و جریان‌های فرهنگی مخالف و نوظهور، شاهد تداوم و تغییر فکری و فرهنگی در جهان اسلام و در میان شیعیان هستیم و یک جنبش علمی و فکری عقل‌گرایانه در میان شیعیان امام جواد (ع) در حال تکوین بود.

ص: ۳۷۴

منابع

ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.

اشتهاردی محمد مهدی، سیره چهارده معصوم (علیهم السلام)، تهران، نشر مطهر، ۱۳۸۰.

اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات والفرق، تصحیح محمد جواد مشکور، ترجمه یوسف فضایی، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۷۱.

ابن طاوس علی بن موسی، مهج الدعوات، ترجمه طبسی، مصحح محمد سادات حیات‌شاهی، تهران، رایحه، ۱۳۸۹.

اصفهانی ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، تحقیق احمد صقر، بیروت، منشورات الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.

بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الایات والاخبار والاقوال، محقق و مصحح محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، ناشر مؤسسه الامام المهدی، بی‌تا.

بلعمی، تاریخ‌نامه طبری، تحقیق محمد روشن، تهران، البرز، ۱۳۷۳.

برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، قم، ناشر کتاب طه، ۱۳۹۱.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تاریخ تشیع، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۹۰.

حسینی‌العلوی، ابوالمعالی محمد، بیان‌الادیان در شرح‌ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی، تصحیح عباس اقبال، انتشارات ابن‌سینا، بی‌تا.

حرانی، حسین بن شعبه، تحف‌العقول عن آل رسول، مترجم و مصحح آیت‌الله کمره‌ای، علی‌اکبر غفاری، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۳.

جعفریان رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۷.

خلیفه بن خیاط، تاریخ، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ملل و النحل، ترجمه افضل‌الدین صدر ترکه اصفهانی، تابان، ۱۳۳۵.

شیخ صدوق، التوحید، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۸ ق.

ص: ۳۷۵

شیخ مفید، ارشاد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، ناشر الاسلامیه، بی‌تا.

صابری حسین، تاریخ فرق اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۳.

صفری فروشانی، نعمت‌الله، غالبان کاوشی در جریان‌ها و برآیندها تا پایان سده سوم، مشهد، نشر آستان قدس رضوی ۱۳۷۸.

طبرسی، امین الاسلام، اعلام‌الوری باعلام‌الهدی، تهران، ناشر اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.

طبری، محمد بن جریر، تاریخ، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.

طغوش محمدسهیل، دولت عباسیان، مترجم حجت‌الله جودکی، قم، انتشارت پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ ش.

طوسی محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال (الرجال کشی)، تحقیق محمدتقی فاضل میبیدی و سید ابوالفضل موسویان، تهران، موسسه الطباعة و النشر لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۳۸۲ ش.

عبدالقاهر یغدادی، ابومنصور، الفرق بین الفرق در تاریخ مذاهب اسلامی، به اهتمام دکتر محمدجواد مشکور، انتشارات اشراقی، ۱۳۵۸.

عطاردی، عزیزالله، مسندالامام الجواد (ع)، قم، ناشر المؤتمر العالمی للامام الرضا (ع)، ۱۴۱۰ ق.

عطاردی، عزیزالله، نهمین کوکب آسمان ولایت، مترجم سید ابوالفضائل مجتهدی، تهران، انتشارات عطارد، ۱۳۸۸.

علامه طباطبائی، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

کشی، محمدین عمر، رجال (اختیار معرفه الرجال)، محقق و مصحح محمدین الحسن طوسی، حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.

کوئن بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶ ش.

کلینی رازی، ابی جعفر محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح محمد باقر کمره‌ای، تهران، اسوه، ۱۳۷۲.

ص: ۳۷۶

گی روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی، ۱۳۷۰.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، ناشر دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.

مفتخری، حسین، تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.

منتظرالقائم، اصغر، تاریخ امامت، قم، ناشر دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.

نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.

نوبختی، فرق الشیعه، مترجم دکتر محمدجواد مشکور، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ ش.

یعقوبی، ابن واضح، تاریخ، بیروت، دار صادر و دار بیروت، ۱۳۷۹ ق. ۷۳.

ص: ۳۷۷

^{۷۳} همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام (۱۳۹۵: ق.م)، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام جواد علیه السلام، ۳جلد، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۵ ه.ش.